درباره تغییر نام خزر به کاسپین

به‌تازگی صداوسیما و رسانه‌های همسو، کارزار گسترده‌ای را با هدف تغییر نام دریای خزر به دریای کاسپین آغاز کرده‌اند و علاوه بر تریبون‌دادن به کارشناسانی که چنین نظری دارند، در برنامه‌های مختلف مانند هواشناسی، اخبار و... عملا استفاده از نام جدید را شروع کرده‌اند.

در مورد اینکه چگونه چنین تصمیمی در صداوسیما گرفته شده و اینکه آیا این تصمیم حاصل هماهنگی با دوایر رسمی ذی‌ربط است یا خیر، اطلاعی ندارم؛ اما تردیدی نیست که نام‌گذاری مکان‌ها و پدیده‌های جغرافیایی، به‌ویژه پدیده‌های جغرافیایی بین‌المللی، امری جدی و خطیر و تابع قواعد و ضوابطی مشخص است. هدف این مقاله تأیید یا رد این یا آن نام نیست؛ بلکه توجه‌دادن به اصول و ضوابط مربوطه، تأکید بر اهمیت کسب مجوز از دوایر رسمی و نشان‌دادن عوارض سوء اقدامات خودسرانه است.

اصول و قواعد نام‌گذاری

اهمیت نام‌گذاری پدیده‌های جغرافیایی موجب شده است تقریبا در همه کشورها نهادی دولتی برای نظارت بر استانداردسازی اسامی جغرافیایی ملی و بین‌المللی ایجاد شود:

۱. در ایران «کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران» در سال ۱۳۷۹ بر مبنای مصوبه هیئت دولت و با هدف «سامان‌دادن به نام‌های جغرافیایی کشور و استانداردسازی آنها برای ارتباطات داخلی و جهانی» تشکیل شد. این کمیته تحت مسئولیت سازمان نقشه‌برداری کشور قرار دارد و متشکل از نمایندگان ۹ وزارتخانه به شمول وزارت خارجه و وزارت دفاع به اضافه نمایندگان صداوسیما و فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. کمیته مذکور با ایجاد هفت کارگروه تخصصی، در جهت سازماندهی، هدایت و تجمیع کلیه فعالیت‌ها در زمینه نام‌های جغرافیایی و ثبت صحیح و مستند نام‌های جغرافیایی سرزمینی در نقشه‌ها، اسناد و مدارک تاریخی و جغرافیایی فعالیت دارد. حفظ هویت ملی و تاریخی نام‌های جغرافیایی یکی دیگر از اهداف شش‌گانه این کمیته است.

۲. در سطح بین‌المللی نیز دو نهاد در چارچوب سازمان ملل شکل گرفته‌اند: کنفرانس ملل متحد برای استانداردسازی اسامی جغرافیایی (UNCSGN) و گروه کارشناسی ملل متحد در مورد اسامی جغرافیایی (UNGEGN). کنفرانس فعالیت خود را از ۱۹۶۷ شروع کرده و ایران نیز از ابتدا در آن فعال بوده است. این نهاد تاکنون حدود ۱۲۰ قطعنامه اجماعی درباره اسامی جغرافیایی تصویب کرده که در آنها اصول، قواعد و رویه‌های عام برای استانداردسازی اسامی جغرافیایی به تصویب همه کشورها رسیده است. اصول و قواعدی که رعایت آنها بدون تردید به سود ماست؛ چراکه اولا این اصول و قواعد حاصل خردورزی و تجربه زیسته بشر در طول دهه‌ها و سده‌هاست و استانداردسازی نام‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی را با هدف جلوگیری از تشتت، آشفتگی و بلاتکلیفی در مسئله مهم نام‌گذاری اسامی جغرافیایی دنبال می‌کند و ثانیا به دلیل چالش‌های موجود در برابر ایران، رعایت آنها بدون تردید به سود ماست. UNGEGN بر استانداردسازی، هماهنگی میان زبان‌ها، مستندسازی و استفاده مستمر از نام‌های جغرافیایی تأکید می‌کند. این چارچوب به تفاوت میان نام‌های محلی و رسمی و نام‌هایی که در زبان‌های دیگر به کار می‌روند نیز توجه دارد.۱ یکی از مهم‌ترین اصول و قواعد در نام‌گذاری پدیده‌های جغرافیایی که نهادهای ملی و بین‌المللی بر آن تأکید می‌کنند، این است که اسامی جغرافیایی را نمی‌توان و نباید به صورت دلبخواهی و خودسرانه عوض کرد و آنها را تابع مصلحت‌اندیشی‌های سیاست روز قرار داد. اصل و قاعده دیگر در این رابطه، اصل «استانداردسازی اسامی جغرافیایی بر مبنای استفاده محلی (local use)» است؛ به این معنا که «نام‌های مورد استفاده در زمان حاضر در هر محل» باید مبنای کار باشند. برخی قواعد دیگر عبارت‌اند از: قاعده قدمت نام‌ها به معنای تکیه بر قدمت نام‌های جغرافیایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معیارها در نام‌گذاری‌ها، قاعده «اجتناب از انتخاب بیش از یک نام برای هر عارضه جغرافیایی»، قاعده احتراز از یک نام برای دو عارضه (homonyms) یا دو نام برای یک عارضه، قاعده حفظ و تداوم نام‌ها و...۲

بر مبنای این اصول عام و جهانی، معمولا توصیه این است رهبران سیاسی و دولت‌ها از اراده‌گرایی در نام‌گذاری و اقدام از بالا برای تغییر نام‌های تثبیت‌شده، جاافتاده و مورد استفاده عموم خودداری کنند. بر مبنای این اصول و قواعد، نام‌ها حاصل یک انتخاب طبیعی هستند: به وجود می‌آیند، پا می‌گیرند و گاه خودبه‌خود و بدون اینکه الزاما بدانیم چرا و چگونه، ممکن است متروک شوند. این قواعد و اصول تأکید دارند قدرت‌های سیاسی و اراده‌ها نباید در این روند مداخله کنند. یکی دیگر از دلایل ضرورت ثبات نام‌ها، اهمیت آنها در بحث میراث فرهنگی ملت‌ها و گروه‌های جمعیتی است. نام‌های جغرافیایی در فولکلور، ادبیات، سنت‌ها و آداب و رسوم مناطق جایگاه مهمی پیدا می‌کنند و تغییر آنها از بالا می‌تواند موجب انواع گسست‌ها نیز بشود. در این مورد، پیوستگی نام‌شناختی نیز حائز اهمیت است. باید دید آیا تغییر نام پیشنهادی باعث گسست غیرضروری در سوابق فرهنگی، ادبی، اسناد و داده‌های جغرافیایی می‌شود؟

نام خزر و دلیل پیشنهاد تغییر آن

بر مبنای مطالعات و بررسی‌هایی که توسط «کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران» انجام شد، سازمان نقشه‌برداری کشور در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۹/۱۸ تصویب کرد: «جهت جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم احتمالی و جلوگیری از تشتت آرا در زمینه نام پهنه آبی شمال کشور، از نام «خزر» در داخل کشور و Caspian در متون خارجی، قراردادها و معاهدات بین‌المللی استفاده گردد». در بخشی از توضیحات این کمیته گفته شده است: «در منابع تاریخی بیش از ۳۵ نام مختلف برای خزر به کار برده شده است، اما در ۲۵۰ سال اخیر همواره از نام خزر استفاده شده است». در این توضیحات ازجمله به معاهدات ایران و شوروی سابق و قراردادهای بین‌المللی بین دو کشور استناد شده که در متن فارسی آنها از نام خزر استفاده شده است.۳ مصوبه مذکور طی بخشنامه‌ای با امضای معاون اول وقت رئیس‌جمهور به همه دوایر حکومتی ابلاغ شد. دلیل این اقدام، آن بود که استفاده از نام‌های متعدد برای دریای شمال ایران با مصوبات داخلی و بین‌المللی مغایرت داشت.

کمیته مذکور در دو تاریخ دیگر نیز بر نظر خود تأکید کرد؛ نامه‌ای از این کمیته به اداره کل حقوقی وزارت خارجه مورخ ۱۳۹۲/۶/۳۰ به شماره ۱۳۹۱۴ در دست است که در پاسخ به «درخواست شفاهی نماینده محترم آن وزارتخانه مبنی بر بررسی مجدد نام خزر» نوشته و در آن خاطرنشان شده است: «موضوع مجددا در کمیته مورد بحث قرار گرفت و اعضای کمیته بر تصمیم قبلی خود صحه گذاشتند». یک صورت‌جلسه کمیته مذکور مورخ ۱۴۰۰/۵/۲۰ نیز حکایت از آن دارد که متعاقب درخواست رئیس دانشگاه مازندران، موضوع مجددا با شرکت نام‌برده بررسی شد. در این جلسه، نام‌برده «با تأکید بر ایرانی‌بودن قوم کاسپی و در مقابل غیرایرانی‌بودن قوم خزر و مزاحمت‌های بسیاری که آنها برای ایرانیان فراهم می‌کرده‌اند»، خواستار تغییر نام خزر به کاسپی بوده که مورد موافقت قرار نگرفته است.

قطعا کاسپی به عنوان یک قوم ایرانی باستانی، نامی معتبر است و در منابع ایران باستان و یونان به آن پرداخته شده است۴، اما معتبربودن یک نام نمی‌تواند دلیل معتبری برای جایگزینی آن با نام دیگری باشد. نام کاسپین در اکثر زبان‌های خارجی برای دریای شمال ایران کاربرد دارد و دو کشور ساحلی یعنی روسیه و قزاقستان نیز از نام کاسپین استفاده می‌کنند، اما دلیلی که برای حذف نام خزر ارائه شده، با اصول و موازین حوزه نام‌گذاری مطابقت ندارد. اجتناب از دخالت‌دادن علایق ملی، قومی و مذهبی در نام‌گذاری‌های جغرافیایی، یکی از مهم‌ترین اصولی است که همواره مورد تأکید استانداردسازی اسامی جغرافیایی (Toponymy) به عنوان یک فعالیت علمی بین‌رشته‌ای و کاربردی قرار داشته است. دخالت‌دادن این معیارها موجب بی‌ثباتی نام‌های جغرافیایی و وابسته‌شدن آنها به تمایلات تحول‌یابنده جوامع و تغییر مکرر آنها برمبنای ترجیحات و سیاست‌های روز می‌شود و می‌تواند موجب اختلاف و تنش بین گروه‌های سیاسی و جمعیتی نیز شود.

در راستای ارائه دلیل برای تغییر نام خزر به کاسپین، احمد کاظمی، کارشناس مسائل سیاسی، در برنامه «قرارگاه جنگ» شبکه افق در اواخر مرداد گفت: «پشت نام‌گذاری خزر یک توطئه صهیونی قرار دارد». او از قول آرتور کستلر مطرح کرد: «نیای یهودیان اشکنازی که بنیان‌گذار اسرائیل بودند، همین یهودیان خزر هستند... و برخی کشورها به‌ویژه جمهوری آذربایجان، این موضوع را جا می‌اندازند و جهانیان، ایرانی‌ها را بابت استفاده از نام خزر مسخره می‌کنند»۵.

روشن است صهیونیسم یک پدیده مدرن است و قومی که در قرون وسطی می‌زیسته، نمی‌تواند ربطی به آن داشته باشد. اگرچه شواهد تاریخی تأیید می‌کند قوم خزر در بسیاری موارد مزاحمت‌هایی برای ایرانیان داشته و اغلب با دشمنان ایران همراه بوده، سؤال این است که آیا می‌توان عدم مطلوبیت یک قوم تاریخی را مبنایی برای نام‌گذاری یک پدیده جغرافیایی قرار داد؟

این استدلال نه‌تنها پایه و اساسی در نام‌گذاری پدیده‌های جغرافیایی ندارد، بلکه به‌عکس، همواره نهادهای ملی و بین‌المللی بر اجتناب از آن و پایبندی به نام‌های سنتی و قدیمی تثبیت‌شده تأکید کرده‌اند. اگر ما معیار مطلوبیت یا عدم مطلوبیت اقوام و ملت‌ها برای امر نام‌گذاری را مبنا قرار دهیم، در موضوع نام تاریخی خلیج فارس برای خود مشکل آفریده‌ایم. ما بیش از دیگران از تضعیف اصل پایبندی به نام‌های سنتی و قدیمی لطمه خواهیم خورد.

اجماع جهانی درباره اهمیت پایبندی به نام‌های سنتی و قدیمی تا حدی است که هیچ‌گاه ناپدیدشدن علل پیشین و از میان رفتن منطق اولیه برای نام‌گذاری‌ها، موجب تغییر نام‌ها نشده است. دریای آدریاتیک نام خود را از شهر آدریا که در گذشته مهم‌ترین شهر تجاری در شمال ایتالیا بود، گرفته است. یا مالاکا نیز در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی مهم‌ترین شهر در تنگه‌ای بود که اکنون همین نام را بر خود دارد. اگرچه این دو شهر از بین رفته‌اند یا کوچک و بی‌اهمیت شده‌اند، اما اماکن جغرافیایی مربوطه همچنان نام‌های سنتی خود را حفظ کرده‌اند. ما نیز همیشه بحق این استدلال عرب‌ها را که به دلیل تغییر شرایط، به‌کارگیری نام دیگری برای خلیج فارس قابل توجیه است، رد کرده‌ایم. زنده‌یاد پیروز مجتهدزاده در این مورد گفته است: «تمایل داریم نام دریای خزر را کاسپین بگذاریم و این دقیقا به همان میزان اشتباه است که بر خلیج فارس نام دیگری بگذاریم».۶

آرش نصیری طی مقاله‌ای در وب‌سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، با مرور دلایل طرفداران تغییر نام خزر، استدلال کرده است که تبار قومی، پیشینه نظامی یا پیوند خزرها با یهودیت، کنارگذاشتن این نام را توجیه نمی‌کند. نصیری استدلال کرده است استفاده از یک نام جغرافیایی به معنای تأیید رفتار یا باورهای قومی نیست که نام از آن گرفته شده است. به نوشته او، خزر به بخشی جاافتاده از زبان فارسی تبدیل شده و کاربرد آن فراتر از پیوندش با قومی در قرون وسطی است. او نوشته کاسپین از نظر تاریخی نامی معتبر است، اما قراردادن «کاسپین ایرانی» در برابر «خزر بیگانه»، تاریخی پیچیده را به یک مرزبندی سیاسی تقلیل می‌دهد.۷

دلیل دیگر برای تغییر خزر به کاسپین توسط مهدی هدایتی‌شهیدانی در مصاحبه‌ای با صداوسیما ارائه شده است. او با اشاره به مصوبه ۱۳۸۱ مبنی بر تعیین نام خزر در فارسی و کاسپین در زبان‌های خارجی گفته است: «این دو دستگی در نام‌گذاری موجب آشفتگی است و مطالبه افکار عمومی تنظیم آن است». قواعد بین‌المللی استانداردسازی به‌خودی‌خود حکم نمی‌کنند که همه زبان‌ها باید نام یکسانی برای یک عارضه جغرافیایی داشته باشند. وجود دو نام برای یک پدیده جغرافیایی، یکی در زبان محلی (endonym) و دیگر در زبان‌های خارجی (exonym)، امری رایج و پذیرفته‌شده است. برای مثال، دریاچه بین فرانسه و سوئیس در زبان فرانسه Lac Léman است و زبان انگلیسی Geneva Lake. قاهره و caire یا Cairo یا یونان، هلنیا و گریس دو نمونه دیگر است. خزر نیز در برخی کشورهای منطقه کاربرد دارد و کاسپین در زبان‌های خارجی. کاسپین نام انگلیسی–فرانسوی است و پسوند ian یا ein در انگلیسی و فرانسه مؤید این امر است.

از طرفی، مطالبی که درباره سابقه تاریخی نام «کاسپین» مطرح می‌شود، حتما همه درست است؛ اما اولا سوابقی نیز از زمان بنی‌امیه در مورد «خزر» وجود دارد، ازجمله به‌کاربردن «بحر خزر» به این دلیل که این دریا راه منتهی به قوم خزر بوده است؛ همان‌طور که یونانیان در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد، خلیج فارس را چون راه رسیدن به قوم فارس بود، خلیج فارس نامیدند. مسئله این است که اگر ما اراده کنیم که نامی را که درحال حاضر رایج است، کنار بگذاریم و نام دیگری برگزینیم و رواج دهیم، مغایر با اصول و قواعد مورد اجماع در عرف نام‌گذاری است و فرق نمی‌کند که نام جدید در گذشته‌های دور سابقه داشته یا نداشته است.

سؤال دیگر در این رابطه، آن است که چرا سری را که درد نمی‌کند، باید دستمال بست؟ ما یک مسئله نام‌گذاری مهم داریم (خلیج فارس) که برایمان بسیار مشکل درست کرده است. اگر یک مسئله دیگر در این حوزه هم به دست خود ایجاد کنیم، لایه دیگری بر لایه‌های دشمنی در منطقه افزوده‌ایم؛ خاصه آنکه گویا آذری‌های ما نیز ملاحظاتی در این مورد دارند. به‌علاوه، ممکن است عرب‌ها از این کار برای دمیدن بر تغییر نام خلیج فارس سوءاستفاده کنند. در نهایت اینکه تغییر نام خزر بحث مهمی است و نیاز به تبادل نظر بیشتر درباره آن هست. تغییر نام به لحاظ کاربردی می‌تواند موجب تشتت و آشفتگی در داخل و در بین مردم خودمان شود. اصرار بر حذف این نام و استفاده از نامی جدید در فارسی، می‌تواند منشأ مشکلاتی جدی و جدید در این حوزه نیز بشود. به لحاظ دیپلماتیک هم می‌دانیم که کشورهای ترک‌زبان و عرب‌زبان در زبان‌های محلی خزر به کار می‌برند.

در نهایت راه‌حل می‌تواند این باشد: کسانی که معتقد به متروک‌کردن خزر هستند، به جای اینکه رأسا اقدام کنند، پیشنهاد خود را همراه با یک گزارش توجیهی به «کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران» ارائه دهند و خواستار لغو تصمیم قبلی شوند. تنها در این صورت است که ممکن است از تشتت، ناهماهنگی و عوارض سوء دیگر در داخل و خارج اجتناب شود.

کوروش احمدی دیپلمات اسبق

رئیس جمهور در بازدید از خط تولید صنعت خودروسازی:

استفاده از فناوری روز در خودروسازی و توسعه موتورهای پیشرفته و کم‌مصرف یک ضرورت است

رئیس جمهور استفاده از دانش و فناوری‌های روز در صنعت خودروسازی و توسعه موتورهای پیشرفته و کم‌مصرف، یک ضرورت دانست و گفت: تحول در صنعت خودرو در کوتاه‌مدت محقق نمی‌شود، آنچه اهمیت دارد، حرکت مستمر کشور در مسیر تولید خودروهای کم‌مصرف و ارتقای کیفیت محصولات است.

دکتر مسعود پزشکیان به همراه وزیر صنعت، معدن و تجارت و معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهور، از بخش‌های مختلف خط تولید یکی از گروه‌های خودروسازی کشور بازدید کرد و در جریان روند تولید، ظرفیت‌های صنعتی و برنامه‌های این مجموعه برای ارتقای کیفیت محصولات و توسعه موتورهای کم‌مصرف قرار گرفت.

این بازدید در ادامه تأکیدات رئیس‌جمهور در سال گذشته درباره ضرورت تدوین و ارائه برنامه‌های عملیاتی خودروسازان برای توسعه موتورهای کم‌مصرف انجام شد، رویکردی که در چارچوب سیاست‌های دولت برای بهبود بهره‌وری انرژی، ارتقای فناوری تولید و افزایش کیفیت محصولات داخلی دنبال می‌شود.

دکتر پزشکیان در نشست با مدیران و مهندسان این گروه خودروسازی، ضمن گرامی‌داشت یاد رهبر شهید انقلاب و سایر شهدای کشور، بر ضرورت ارتقای کیفیت، کارایی و بهره‌وری محصولات خودرویی تأکید کرد و اظهار داشت: هر اندازه بتوانیم موتور و سایر قطعات خودرو را براساس استانداردهای جهانی توسعه دهیم، طراحی و به‌روزرسانی کنیم، به همان میزان مصرف سوخت کاهش می‌یابد و کیفیت، کارایی و عملکرد محصول ارتقا پیدا می‌کند.

دکتر پزشکیان با تأکید بر اینکه عزم و اراده، پیش‌نیاز عبور از بحران‌ها و دستیابی به راه‌حل‌های مؤثر است، گفت: اگرچه در شرایط پیچیده و دشواری قرار داریم، اما با عزم و اراده می‌توانیم از این وضعیت عبور کنیم و مشکلات و بحران‌ها را پشت سر بگذاریم. هیچ مشکلی را نباید غیرقابل‌حل تلقی کنیم بلکه باید با تلاش، برنامه‌ریزی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و تخصصی، برای مسائل راه‌حل پیدا کنیم. استفاده از دانش و فناوری‌های روز در صنعت خودروسازی و توسعه موتورهای پیشرفته و کم‌مصرف، یک ضرورت است و نخستین گام برای حل مشکلات باور به امکان تغییر و حرکت در مسیر بهبود است.

رئیس‌جمهور با اعلام حمایت دولت از تلاش‌های صنعتگران و تولیدکنندگان برای توسعه صنعت خودروسازی و طراحی موتورهای کم‌مصرف اظهار داشت: پذیرفتنی نیست که تصور کنیم در این عرصه از دیگر کشورها عقب مانده‌ایم و برای جبران فاصله موجود اقدامی نکنیم. همه باید دست به دست یکدیگر بدهیم تا با بهره‌گیری از فناوری‌های روز، کیفیت و کارایی محصولات را افزایش دهیم و رضایت مشتریان را جلب کنیم. وظیفه ما خدمت‌رسانی به همه آحاد جامعه است.

دکتر پزشکیان با بیان اینکه تحول در صنعت خودرو در کوتاه‌مدت محقق نمی‌شود، تصریح کرد: آنچه اهمیت دارد، حرکت مستمر کشور در مسیر تولید خودروهای کم‌مصرف و ارتقای کیفیت محصولات است. برای تحقق این هدف، سیاست‌گذاران، دستگاه‌های اجرایی، خودروسازان و مجموعه‌های صنعتی باید هماهنگ و همسو عمل کنند و با برنامه‌ریزی منسجم، زمینه پیشرفت این صنعت را فراهم آورند.

رئیس‌جمهور با اشاره به مشکلات ناشی از تحریم‌ها و دو جنگ اخیر، همکاری و مشارکت همه ظرفیت‌های کشور را از الزامات عبور از شرایط پیچیده کنونی دانست و گفت: با بهره‌گیری از دانش و تجربه خبرگان، دانشگاهیان، مردم و تولیدکنندگان می‌توانیم بر مشکلات غلبه کنیم و به‌صورت مستمر در مسیر بهبود و پیشرفت قرار بگیریم. توسعه فناوری و ارتقای محصولات باید به‌طور مداوم دنبال شود تا صنعت خودروسازی بتواند متناسب با نیازهای روز و تحولات آینده حرکت کند. دکتر پزشکیان با اشاره به مفاهیم قرآنی درباره ضرورت تغییر و نقش تلاش انسان‌ها در بهبود شرایط، اظهار داشت: نباید روزهای ما شبیه یکدیگر باشد، بلکه باید هر روز برای بهتر شدن، پیشرفت و شکوفایی بیشتر تلاش کنیم. به‌جای حسرت خوردن از فاصله موجود با دیگر کشورها در حوزه‌های مختلف، باید از این موضوع درس بگیریم که چرا نتوانسته‌ایم هر روز گامی مؤثر در مسیر پیشرفت برداریم.

رئیس‌جمهور افزود: طبیعتاً با ارتقای مستمر کیفیت، جلب رضایت مشتریان و عرضه محصولات با قیمت مناسب و مقرون‌به‌صرفه، زمینه رقابت‌پذیری صنعت خودروسازی را فراهم کنیم. تحقق این اهداف می‌تواند علاوه بر پاسخ‌گویی بهتر به نیازهای داخلی، امکان حضور مؤثرتر محصولات ایرانی در بازارهای خارجی و جذب مشتریان بین‌المللی را نیز افزایش دهد. برای رسیدن به این نقطه، کافی است هر روز یک گام در جهت بهبود برداریم، کاستی‌ها را شناسایی کنیم و عملکرد خود را اصلاح کنیم.

دکتر پزشکیان با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از مدیران توانمند، مهندسان متخصص و نیروهای برخوردار از روحیه حل مسئله، خاطرنشان کرد: نباید در برابر مشکلات به این نتیجه برسیم که کاری از پیش نمی‌رود. باید با مدیران، مهندسان و متخصصانی همکاری کنیم که به توانایی حل مسائل باور دارند و برای تحقق اهداف، اراده و انگیزه کافی از خود نشان می‌دهند.

رئیس‌جمهور با تأکید بر آمادگی دولت برای حمایت از برنامه‌های توسعه‌ای صنعت خودروسازی گفت: هر جا برای پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای خود به کمک و همراهی نیاز داشته باشید، در کنار شما خواهیم بود تا زمینه رونق و شکوفایی این صنعت فراهم شود و مشکلات موجود برطرف شود. در مسیر تحول و بهبود نیز باید شرایط به‌گونه‌ای رقم بخورد که همه بخش‌ها و ذی‌نفعان از نتایج مثبت تغییرات بهره‌مند شوند.

در جریان این بازدید وزیر صنعت، معدن و تجارت، معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهور و همچنین مدیرعامل این گروه خودروسازی نیز به تشریح دیدگاه‌ها، ظرفیت‌ها، چالش‌ها و راهکارهای پیشنهادی برای توسعه دانش فنی صنعت خودروسازی، ارتقای توانمندی‌های مهندسی و طراحی و تولید موتورهای کم‌مصرف پرداختند.

۲ برنز حاصل تلاش آزاد کاران در دو وزن نخست

محمد نژاد جوان و زارع امروزدر فینال

دیدارهای نهایی چهار وزن نخست رقابت‌های کشتی فرنگی قهرمانی جهان دیروز در آستانه، کشور قزاقستان، برگزار شد و رحمان عموزاد در وزن ۶۵ کیلوگرم و حسن یزدانی در وزن ۹۷ کیلوگرم موفق به کسب مدال برنز شدند. با کسب این مدال مجموع مدال‌های حسن یزدانی به ۱۱ مدال رسید و به پرافتخارترین کشتی گیر تاریخ ورزش ایران تبدیل گشت.

همچنین درچهاروزن دوم رقابتها احمد محمد نژاد جوان در وزن ۶۱ کیلوگرم و امیر حسین زارع در وزن ۱۲۵ کیلوگرم با شکست تمامی رقبای خود به دیدار نهایی راه یافتند و امروزبعدازظهر برای کسب مدال طلا روی تشک می‌روند. سینا خلیلی در وزن ۷۰ کیلوگرم و کامران قاسمپور در وزن ۸۶ کیلوگرم نیز با شکست مقابل حریفان خود از دور مسابقات کنار رفتند.

نتایج نمایندگان کشورمان بدین شرح است:

در وزن ۶۵ کیلوگرم، رحمان عموزاد در دور نخست با نتیجه ۱۳ بر ۲ موسایف از بلژیک را شکست داد. وی در دور بعد با نتیجه ۹ بر صفر دومان دارنده مدال نقره جهان از ترکیه را شکست داد و راهی یک چهارم نهایی شد. عموزاد در این مرحله با نتیجه ۳ بر ۲ مغلوب توانیان از ارمنستان شد و با توجه به حضور این کشتی گیر در دیدار نهایی، عموزاد به جدول شانس مجدد بازگشت. وی در این مرحله داستانبک از قزاقستان را با نتیجه ۱۱ بر صفر شکست داد و راهی دیدار رده بندی شد. وی در این مرحله مقابل شامیل ممدوف دارنده مدال برنز جهان از بلغارستان با نتیجه ۵ بر ۴ به پیروزی رسید و صاحب مدال برنز شد.

در وزن ۹۷ کیلوگرم، حسن یزدانی در دور نخست با نتیجه ۱۱ بر صفر کیم از کره جنوبی را شکست داد. وی در دور بعد با نتیجه ۷ بر ۵ مغلوب آرش یوشیدا دارنده مدال برنز جهان از ژاپن شد و با توجه به حضور این کشتی گیر در فینال، حسن یزدانی به جدول شانس مجدد بازگشت. وی در این مرحله با نتیجه ۱۰ بر صفر ویکی از هند را مغلوب کرد و راهی دیدار رده بندی شد. یزدانی در این مرحله مقابل احمد تاج‌دینف قهرمان المپیک از بحرین با نتیجه ۵ بر صفر به پیروزی رسید و صاحب مدال برنز شد.

در وزن ۶۱ کیلوگرم، احمد محمدنژاد جوان پس از استراحت در دور اول، در مرحله بعد با نتیجه ۱۰ بر ۹ نیکیل از هند را مغلوب کرد. وی در یک چهارم نهایی با نتیجه ۳ بر ۲ مارکوس بلیز از آمریکا را شکست داد و راهی نیمه نهایی شد. جوان در این مرحله مقابل اسیل آیتکین از قزاقستان با نتیجه ۳ بر ۱ به پیروزی رسید و راهی فینال شد. وی در دیدار نهایی مقابل زائور اوگویف قهرمان جهان و المپیک از روسیه مبارزه خواهد کرد.

در وزن ۷۰ کیلوگرم، سینا خلیلی پس از استراحت در دور نخست، در مرحله بعد یارشوف از ازبکستان را با نتیجه ۸ بر صفر مغلوب کرد. وی در یک چهارم نهایی با نتیجه ۶ بر ۱ مغلوب تومور اوچیر دارنده مدال نقره جهان از مغولستان شد و با توجه به شکست این کشتی گیر در مرحله بعد مقابل حریفی از روسیه، خلیلی از دور رقابت‌ها کنار رفت.

در وزن ۸۶ کیلوگرم، کامران قاسمپور در دور نخست با نتیجه ۵ بر ۳ ماگومد رمضانوف قهرمان المپیک از بلغارستان را شکست داد. وی در ادامه با نتیجه ۳ بر ۱ و ضربه فنی مقابل مالک شاوایف از قزقیزستان شکست خورد و با توجه به شکست این کشتی گیر در مرحله بعد مقابل حریفی از آمریکا، قاسمپور از دور رقابت‌ها کنار رفت.

در وزن ۱۲۵ کیلوگرم، امیرحسین زارع پس از استراحت در دور اول، در دور دوم جاسپوران سینگ از هند را با نتیجه ۱۱ بر صفر شکست داد و راهی یک چهارم نهایی شد. وی در این مرحله با نتیجه ۱۰ بر صفر آرون جانسون از جامائیکا را شکست داد و به نیمه نهایی رسید. زارع در این مرحله با نتیجه ۱۰ بر صفر وایت هندریکسون از آمریکا را مغلوب کرد و به دیدار فینال راه پیدا کرد. وی برای کسب مدال طلا مقابل عبدالله قربانوف از روسیه قرار خواهد گرفت.

برگزاری نخستین سمینار دیابت و سرطان در بیمارستان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

نخستین سمینار علمی دیابت و سرطان توسط ۱۱۰۰ مطب دیابتی بنیاد امور بیماری‌های خاص و با همکاری پژوهشکده علوم غدد درون‌ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سالن آمفی‌تئاتر بیمارستان سرطان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برگزار شد. در این سمینار، در خصوص ارتباط اپیدمیولوژیک دیابت و سرطان، ارتباط بیولوژیک، اونکواندوکرینولوژی، عوارض اندوکرین داروهای مهارکننده ایمونوچک‌پوینت، داروهای دیابت و سرطان و درمان‌های مبتنی بر GLP-1 و سرطان سخنرانی شد. بیش از ۱۰۰ نفر از پزشکان عمومی، دیابتولوژیست‌ها، متخصصان انکولوژی، متخصصان داخلی، فوق‌تخصص‌های غدد و داروسازان در این سمینار علمی یک روزه شرکت کردند.

این برنامه با سخنرانی دکتر فرهاد حسین‌پناه استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و رئیس انجمن غدد ایران، دکتر مجید ولی‌زاده استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دکتر حمیدرضا احدی استادیار دانشگاه، دکتر سحر پرخیده استادیار دانشگاه، دکتر مهتاب نیرومند دانشیار دانشگاه و دکتر نوشین احمدی استادیار دانشگاه برگزار شد.

پنجره فرصت در برزخ جنگ و مذاکره

قادر باستانی تبریزی

مناقشه ایران و آمریکا از مرحله مهار تنش و چانه‌زنی عبورکرده و به نقطه تعیین‌تکلیف رسیده است. در چنین شرایطی، پیام معاون رئیس‌جمهور آمریکا برای ازسرگیری مذاکرات، لابد می‌تواند تلاشی برای فریب و خرید زمان باشد و یا پنجره فرصت برای جلوگیری از بازگشت جنگ. آیا می‌توان بدون اعتماد به آمریکا، از فرصت دیپلماسی برای تأمین منافع کشور و نظام استفاده کرد؟

زمامداری، چیزی جز تصمیم‌گیری به‌موقع در شرایط دشوار نیست. پس اگر حتی احتمال دستیابی به توافق اندک باشد و پس از انتخابات آمریکا سایه جنگ سنگین‌تر شود، پاسخ مثبت به پیشنهاد گفت‌وگو و انجام دیدار در روزهای آینده، از نظر تاکتیکی و راهبردی اهمیت دارد. نخست، این دیدار می‌تواند فرصتی برای جلوگیری از حمله مجدد آمریکا یا دستکم دشوارترکردن توجیه و اجرای آن فراهم کند. دوم، در افکارعمومی دنیا نباید چنین تصویری شکل بگیرد‌که واشنگتن راه دیپلماسی را گشوده و تهران آن را بسته است. پذیرش گفت‌وگو، باز نگه داشتن مسیری است که شاید بتواند هزینه‌های سنگین‌تری را از کشور دور کند. نباید اجازه داد جنگ، به‌عنوان سرنوشت محتوم ایران پذیرفته شود.

واشنگتن خواهان آن است‌که پیش از کاهش تحریم‌ها، مذاکرات هسته‌ای از سر گرفته شود. تهران هم کاهش تحریم‌ها را پیش‌شرط ورود به مذاکره می‌داند. اگر دو طرف بر سر تقدم و تأخر این مراحل متوقف بمانند، پیش از ورود به اصل اختلاف‌ها، فرصت و زمان از دست خواهد رفت. راه واقع‌بینانه، عبور از این بن‌بست با طراحی یک بسته جامع و همزمان است که گام‌های هسته‌ای، کاهش تحریم‌ها و ترتیبات مربوط به تنگه هرمز را در یک جدول زمانی واحد، با تعهدات متقابل و سازوکارهای روشن راستی‌آزمایی به هم پیوند دهد.

اقتدار تصمیم‌گیری، پیش‌شرط مذاکره مؤثر است. مذاکره‌کننده‌ای که پشتوانه یکپارچه سیاسی نداشته باشد، نمی‌تواند توافقی معتبر و قابل اجرا به دست آورد. اگر هر موضع رسمی، روز بعد با اظهارنظر یک جریان یا مرکز قدرت دیگر تضعیف شود، دشمن به این نتیجه می‌رسد که توافق با تهران تضمین اجرایی ندارد. از این زاویه نامه ونس می‌تواند فرصتی برای شکل‌گیری یک پیام واحد و برخوردار از پشتوانه حاکمیتی باشد. پاسخ ایران باید حاصل تصمیمی روشن در سطح عالی کشور باشد، با مأموریتی مشخص، اختیارات کافی و حمایت همه ارکان مسئول. تضعیف یا تخریب پیشاپیش مذاکره‌کنندگان نیز تنها از وزن موضع کشورمان می‌کاهد.

نگرانی از اینکه پیشنهاد مذاکره صرفاً با هدف فریب و خرید زمان مطرح شده باشد، جدی است. اما این احتمال نباید بهانه‌ای برای کنارگذاشتن دیپلماسی شود. برای این منظور، چند اصل ضروری است. نخست، آمادگی دفاعی کشور باید بدون وقفه حفظ شود تا مذاکره به معنای عقب‌نشینی یا قرارگرفتن در موضع ضعف تلقی نشود. دوم، دستورکار، اهداف و خطوط قرمز پیش از آغاز دیدار به‌روشنی تعیین شود. سوم، برای هر مرحله از گفت‌وگو زمان‌بندی مشخصی در نظر گرفته شود تا مذاکرات به فرایندی فرسایشی و بی‌پایان تبدیل نشود. چهارم، از ظرفیت میانجی‌هایی مثل قطر، ترکیه و پاکستان برای تسهیل گفت‌وگو و ثبت تعهدات متقابل استفاده شود. پنجم، ایران باید ابتکار روایت دیپلماتیک را نیز در دست بگیرد و موضع خود را برای افکارعمومی جهان روشن کند که ما از گفت‌وگو استقبال می‌کنیم، اما مذاکره را بر پایه منافع ملی، تعهدات متقابل و تضمین‌های قابل راستی‌آزمایی می‌پذیریم.

البته منتقدان مذاکره هم استدلال‌هایی دارند. از نگاه آنها، امتیاز دادن زیر سایه تهدید، مذاکره نیست و تسلیم در برابر فشار است. ابهام در مواضع ترامپ نیز این نگرانی را تقویت می‌کند که نامه اخیر بیش از آنکه نشانه اراده واقعی برای حل اختلاف باشد، ابزاری برای فشار بر تهران یا مانوری با ملاحظات سیاسی و انتخاباتی باشد. تجربه اسلام‌آباد هم نشان داده که توافق‌های شتاب‌زده و فاقد پشتوانه محکم، به‌سرعت شکننده می‌شوند. علاوه بر این، بازگشایی تنگه هرمز پیش از دستیابی به ترتیباتی متقابل، ممکن است یکی از مهم‌ترین اهرم‌های ایران را تضعیف کند. برخی هم معتقدند گذشت زمان، با افزایش فشارهای اقتصادی و سیاسی بر واشنگتن، موقعیت ترامپ را دشوارتر و او را به عقب‌نشینی وادار می‌کند.

در مقابل، موافقان مذاکره تأکید می‌کنند که حضور در یک دیدار، به معنای پذیرش خواسته‌های طرف مقابل یا دادن امتیاز نیست. ایران می‌تواند با حفظ آمادگی دفاعی و اهرم‌های راهبردی خود، وارد گفت‌وگو شود و درباره یک بسته متوازن، با تعهدات همزمان و قابل راستی‌آزمایی مذاکره کند. از این منظر، اهرم تنگه هرمز نه با بی‌پاسخ گذاشتن پیشنهاد دیپلماسی، بلکه با مدیریت هوشمندانه و پیوند دادن آن به تعهدات متقابل حفظ می‌شود.

در این میان، نباید از وضعیت داخلی کشور غافل شویم. مردم، با وجود همه اختلاف‌نظرها و گلایه‌ها، در دفاع از ایران در برابر تجاوز خارجی ایستادگی کرده‌اند. اما جامعه با نگرانی از شرایط اقتصادی، اختلال در ارتباطات و فقدان چشم‌انداز روشن روبه‌روست. مردم می‌پذیرنده کشور در وضعیت جنگی قرار دارد، اما از حکمرانی نیز انتظار دارند متناسب با همین وضعیت رفتار کند. در شرایط جنگی، تصمیم‌گیری‌های پراکنده، تعدد مراکز غیررسمی قدرت، اختلافات علنی و معرفی مکرر افراد به‌عنوان مسئول اداره امور، بدون آنکه فرصت و اختیار کافی برای انجام مأموریت داشته باشند، پیام اطمینان‌بخشی به جامعه نمی‌دهد. تأسف‌بارتر آنکه برخی مسئولانی که در دشوارترین شرایط مسئولیت پذیرفته‌اند، پیش از آنکه مجال عمل پیدا کنند، آماج حملات سیاسی و تخریب جناحی قرار می‌گیرند.

نباید اجازه داد تُندروی‌های داخلی، فرصت‌های دیپلماتیک را پیش از آزموده شدن از میان ببرند. اکنون ایران به تصمیم‌های شجاعانه، واقع‌بینانه و به‌موقع نیاز دارد. هنر حکمرانی آن نیست که کشور را تا آخرین نقطه تحمل جامعه در وضعیت بحران نگه داریم. هنر حکمرانی آن است که پیش از آنکه هزینه‌های یک بحران غیرقابل جبران شود، راه خروجی برای آن پیدا کنیم.